



تقریرات دروس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسّی طباطبایی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴

جلسه هفدهم؛ شنبه ۱۳۹۴/۸/۱۶

نقد و بررسی کلام محقق نائینی رحمته الله علیه

عرض می‌کنیم [در آنچه که محقق نائینی رحمته الله علیه در تحلیل انشاء و اخبار فرمودند و نیز در دو امری که مترتب بر کلام خود کردند، مواردی برای نظر وجود دارد. اما در مورد اخبار می‌گوییم]:

اولاً: این که محقق نائینی رحمته الله علیه سه مرتبه برای اخبار بیان کردند و مرحله سوم یعنی «مطابقت کلام با واقع» را جزء مراحل اخبار ذکر فرمودند، این کلام تمام نیست، بلکه اخبار با تحقق مرتبه اولی و ثانیه متحقق می‌شود و مرحله سوم اصلاً از مراحل اخبار نیست؛ زیرا همان‌طور که در ادبیات و منطق آمده است، خبر یعنی «قولٌ یحتمل الصدق و الکذب»؛ خبر قولی است که صلاحیت اتّصاف به صدق و کذب را داشته باشد؛ در حالی که محقق نائینی رحمته الله علیه قابلیت اتّصاف به صدق و کذب را جزء مراحل خبر گرفته‌اند؛ گرچه در کلمات ایشان به نوعی نفی این معنا نیز موجود است.

به هر حال نفس حکایت از محکی^{عنه}، کافی در تحقق حقیقت خبر است و مطابقت و عدم مطابقت آن با واقع، از اوصافی است که عارض بر خبر می‌شود (الخبر تارةً یطابق الواقع فهو صادقٌ و تارةً لا یطابق الواقع فهو کاذبٌ).

ثانیاً: این که فرمودند مطابقت خبر با محکی^{عنه}، خارج از اختیار متکلم است، عرض می‌کنیم این تعبیر هم مناسب نیست و مطابقت خبر با محکی^{عنه} خارج از اختیار متکلم نیست بلکه متکلم می‌تواند به گونه‌ای تکلم کند که قول صادر از او مطابق واقع باشد. پس هم اصل خبر در اختیار متکلم است و هم انواع آن، و إلا تکلیف به راست گفتن و پرهیز از دروغ، تکلیف به ما لایطاق بود. بله، این که خارج و واقع چگونه

است، این در اختیار متکلم بما هو متکلم نیست بلکه واقع، علل خود را دارد و متکلم نمی‌تواند آن را منقلب کند.

اما درباره‌ی آنچه که در مورد إنشاء فرمودند عرض می‌کنیم:

ثالثاً: این که ایشان در إنشاء نیز سه مرتبه ذکر کردند و تحقق منشاء در عالم اعتبار را از مراحل إنشاء دانستند، این کلام نیز ناتمام است؛ زیرا حقیقت إنشاء با دو مرتبه‌ی اولی و ثانیه محقق می‌شود و مرتبه‌ی سوم ربطی به حقیقت إنشاء ندارد. به تعبیر دیگر، إنشاء یعنی «ایجاد المعنی باللفظ» پس مرتبه‌ی سوم که موجب إنشاء را شارع یا عقلاء بپذیرند، خارج از حقیقت إنشاء است؛ مثلاً اگر کسی اعتبار ریاست برای زید بر قومی کند و آن را إنشاء کند، در این صورت إنشاء صادق است هرچند عقلاء یا شارع، این إنشاء را امضاء نکنند.

بنابراین قوام إنشاء به مرتبه‌ی اولی و ثانیه است و مرتبه‌ی سوم هرچند موجب تقسیمی برای إنشاء است، اما مرتبه‌ای از آن نمی‌باشد. مثلاً در إنشاء بیع خمر، منشأ در نزد بایع و بلکه در نزد عقلاء محقق می‌شود و آثار هم بر آن مترتب می‌شود، الا این که شارع مقدس چنین انشائی را رد کرده است.^۱

رابعاً: در مورد دو امری که محقق نائینی رحمته الله متفرع بر مطالب خود کردند، عرض می‌کنیم:

این که ایشان در امر اول فرمودند بهتر است لزوم قصد را جزء شروط عقد بدانیم نه شروط متعاقدین، عرض می‌کنیم همان‌طور که خود ایشان هم در *المکاسب و البیع* توجه کرده‌اند، مانعی ندارد این شرط را جزء شروط متعاقدین بدانیم؛ چراکه قصد، قائم به متعاقدین است، کما این که می‌توان آن را از شروط عقد هم دانست.

اما امر دومی که محقق نائینی رحمته الله ذکر کردند که «تشبیه امر صوری به کذب در اخبار در کلام شیخ انصاری رحمته الله صحیح نیست؛ چراکه در امر صوری مرتبه‌ی دوم منتفی است یعنی در بعث نحو المطلوب استعمال نشده، اما کذب در اخبار مربوط به فقدان مرتبه‌ی ثالثة یعنی عدم مطابقت با واقع است، و تشبیه چیزی که مربوط به مرتبه‌ی ثانیه است به چیزی که مربوط به مرتبه‌ی ثالثة است صحیح نیست»، خدمت ایشان عرض می‌کنیم:

اوامر صوری دو قسم است؛ یک موقع متکلم فقط لفظ را در معنا استعمال کرده اما قصد جدی نسبت به

۱. بارها گفته‌ایم روش عقلاء، غیر از روش عقل است، یکی از مواردش بیع خمر است که عقلاء از روی بی عقلی، بیع خمر را امضاء می‌کنند اما شارع مقدس که کارش مطابق عقل است، آن را امضاء نمی‌کند «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع».

معنا ندارد - که به آن هازل در استعمال لفظ می‌گویند - فرمایش مرحوم نائینی در این قسم صحیح است؛ چراکه وقتی قصد جدی معنا نباشد، اصلاً إنشاء صادق نیست. قسم دیگر اوامر صوری، اوامری است که در آن علاوه بر قصد لفظ، قصد جدی معنا هم وجود دارد، اما این قصد جدی به بعث نحو المطلوب تعلق نگرفته بلکه به امتحان، استهزاء، تعجیز و امثال آن تعلق گرفته است. پس متلفظ، لفظ را در معنا استعمال کرده و معنا را هم جداً اراده کرده، منتها این قصد جدی به استهزاء - مانند کریمه ی ﴿ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ﴾^۲ که درباره‌ی ابوجهل است - و یا تعجیز - مثل این‌که مولایی به عبد خود امر می‌کند که سنگ عظیمی را با دست بلند کند، که قصد جدی مولا تعجیز است - و امثال آن تعلق گرفته است.

بنابراین در اوامر، منشأ گاهی بعث نحو المطلوب است حقیقتاً، مثل این‌که مولایی تشنه است و قصد نوشیدن آب دارد و به عبد خود امر می‌کند که لیوان آبی برای او بیاورد، که در این موارد امر هم در بعث استعمال شده و هم قصد جدی بعث نحو المطلوب بوده است.

گاهی هم مولا امر را در معنای خود استعمال کرده و قصد جدی هم دارد، اما این قصد جدی به استهزاء، تعجیز، امتحان و ... تعلق گرفته است. پس در این‌جا هم إنشاء صادق است اما انشائی است که به داعی جدی برای بعث نحو المطلوب استعمال نشده است.

از آن‌چه گفتیم معلوم می‌شود که اوامر صوری به معنای دوم دارای مرتبه‌ی ثانیه می‌باشند، یعنی بر آن‌ها صدق إنشاء می‌شود، منتها انشائی است که داعی جدی آن تمسخر و امثال آن است؛ نه بعث نحو المطلوب.

والحمد لله رب العالمین

جواد احمدی

۲. سوره‌ی دخان، آیه‌ی ۴۹.